

ترانزیت بدون نقشه راه



سیدطه حسین مدنی
رئیس اندیشکده
حکمرانی هوشمند

ایران از سالیان دور در مسیر تجارت میان مناطق مختلف جهان بوده که جاده ابریشم نماد بارز آن است. اکنون اگر چه مدل تعامل و تجارت میان کشورهای جهان تغییر کرده اما ایران همچنان از ظرفیت بسیار بالا برای ایفای نقش اساسی در ترانزیت بین المللی برخوردار است؛ ظرفیتی که به دلیل فقدان نقشه راه با همان «سند جامع حمل و نقل» تا حد زیادی مغفول مانده است.

ترانزیت موضوعی صرفاً اقتصادی نیست و در کنار آورده های اقتصادی، می تواند برای کشورهای در فضای بین الملل ارزش افزوده سیاسی و امنیتی به همراه داشته باشد. به همین دلیل همه کشورهای که در مسیر کریدورهای بین المللی قرار دارند، سعی می کنند در این بازار بزرگ و مهم سهم خود را افزایش دهند.

ایران در عرصه ترانزیت به عنوان حلقه واسطه کریدور شمال-جنوب در مسیر تجارت هند-اروپا قرار گرفته و می تواند در این مسیر دسترسی روسیه به آب های آزاد را تسهیل کند و تجارت هند با اروپا را به جای مسیر ۱۶ هزار کیلومتری کانال سوئز، به هفت هزار کیلومتر و زمان ۴۰ درصد هزینه را ۳۰ درصد کاهش دهد.

از نظر اقتصادی، نقش آفرینی ایران در کریدور شمال-جنوب می تواند به ازای هر ۱۰۰ تن بار ۱۰ شغل مستقیم و ۵۰ شغل غیرمستقیم ایجاد و ترانزیت سالانه ۳۰ میلیون تن کالا، حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد ایجاد کند.

از نظر سیاسی و امنیتی هم توسعه کریدور شمال-جنوب برای ایران ارتقاء جایگاه سیاسی، اثرات ضدتجربیمی، افزایش قدرت اثرگذاری بین المللی و بهبود مرادوات با کشورهای همسایه و منطقه و افزایش وابستگی آنان به ایران به دنبال خواهد داشت.

در همین خصوص، فزانه صادق مالوآجر، وزیر راه و شهرسازی هم اخیراً در دیدار با شاهین مصطفی اف، معاون نخست وزیر آذربایجان از لزوم فراهم سازی زمینه های برای دستیابی به هدف ۱۵ میلیون تن ترانزیت کالایی در کشور تأکید کرد.

صادق مالوآجر به معاون نخست وزیر آذربایجان گفته بود که «برای ساخت راه آهن رشت - آستارا اقدامات لازم را لحاظ کردیم تا نقطه عطفی برای توسعه کریدور شمال - جنوب باشد و مشارکت آذربایجان برای توسعه زیرساخت های ریلی منتهی به این مسیر اهمیت بالایی دارد.»

با وجود آورده های سیاسی، امنیتی و اقتصادی که موضوع کریدور می تواند برای کشور داشته باشد و همچنین تأکید اخیر وزیر راه و شهرسازی برای توسعه کریدور شمال-جنوب، اما طی این سال ها ما به دلیل نداشتن «سند جامع حمل و نقل» با یک سردرگمی کلان در این حوزه مواجه بوده ایم که مغفول ماندن ظرفیت های ترانزیتی هم ناشی از همین سردرگمی است و تا زمانی که این سند تدوین نشود این سردرگمی و بالفعل نشدن ظرفیت ها ادامه خواهد داشت.

در دیدار وزیر راه و شهرسازی ایران و معاون نخست وزیر آذربایجان، صادق مالوآجر همچنین اعلام کرد که «لازم است تفاهم نامه جامعی در خصوص همکاری دو کشور در بخش حمل و نقل تهیه شود تا همان طور که زیرساخت ها توسعه می یابد، جریان حمل و نقل نیز سرعت داشته باشد. می توانیم ظرف یک ماه آینده ترتیب برگزاری جلسه و تهیه این تفاهم نامه را بدهیم.» پرسش اساسی در مورد طرح موضوع «تفاهم نامه جامع برای همکاری دو کشور در بخش حمل و نقل» این است که بدون وجود «سند جامع حمل و نقل» در داخل کشور، چطور امکان امضای تفاهم با سایر کشورهای وجود دارد؟ تا زمانی که الزامات توسعه سخت افزاری و نرم افزاری زیرساخت های حمل و نقل کشور را تدوین نکرده ایم و نمی دانیم قرار است در کدام مسیر حرکت کنیم؛ چطور می توانیم چند و چون تعامل و توسعه زیرساخت ها را در قبال همسایگان و کشورهای منطقه مشخص کنیم؟ پاسخ به این سوال را می توان در وضعیتی که نبود سند جامع حمل و نقل در کشور به وجود آورده جست و جو کرد. عدم تدوین این سند طی سال های اخیر و مشخص نکردن اولویت بندی طرح های عمرانی به شکل گرفتن ۵۰۰ پروژه ناتمام منجر شده که تعداد زیادی از این پروژه ها به دلیل نداشتن توجیه علمی و اقتصادی بهتر است تکمیل نشوند تا منابع کشور را بیشتر از این هدر ندهند. تفاهم حمل و نقلی با کشورهای دیگر در غیاب سند جامع حمل و نقل هم قطعاً نتیجه ای بهتر از این وضعیت نخواهد داشت.

بر همین اساس به وزیر راه و شهرسازی دولت چهاردهم پیشنهاد می شود از همین ابتدای راه تدوین «سند جامع حمل و نقل» را به عنوان نقشه راه در اولویت قرار داده و یک کار ماندگار از خود بر جا بگذارد.

علمیه سیاست شوک درمانی

ارزیابی کارشناسان از اثرات یکسان سازی نرخ ارز با نگاهی به تجربیات گذشته

ملک، ارز و طلا نسبت به تولید وجود دارد. مشاهده می کنیم که نقدینگی رشد قابل توجهی دارد اما از سوی دیگر با کمبود نقدینگی در تولید مواجه هستیم. این شرایطی است که حتماً باید در تحلیل ها مدنظر قرار گیرد.

او معتقد است: موضوع دیگر اینکه دلایلی که سبب می شود سهم بخش خدمات و بخش دلالی و سفته بازی نسبت به تولید بسیار بیشتر باشد، باید مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال در سال هایی که با رکود اقتصادی مواجه هستیم، با بیشترین سودآوری در بخش بانکی روبه رو بوده ایم. در واقع یکی از تفاوت های که باید در تحلیل ها در نظر گرفته شود این نامتوازن است.

با قریب بیان اینکه نکته بسیار پرچالش در سال های گذشته داشتن یک نظام ارزی است، اشاره کرد: در این نظام طرفدارانی وجود دارند که سمت یکسان سازی نرخ ارز ایستاده اند. برخی اما مدافع چندتاریخی بودن قیمت ارز هستند. بر اساس این شرایط ابتدا باید ببینیم اینکه گفته می شود ما دارای نظام ارزی هستیم در اقتصاد ما صادق است یا خیر.

او یادآور شد: اولین و پایه ای ترین بحثی که مطرح می شود این است که خود نظام ارزی بر مبنای مفهوم بازار رقابتی بنا می شود. در ابتدای بحث اقتصاد خرد، در مفهوم بازار رقابتی بر مجاری متعدد عرضه و تقاضای ارز تأکید می شود. یعنی عوامل ذره ای فراوان در عرضه و تقاضای ارز وجود داشته باشد. هر چقدر بازار ما رقابتی تر باشد آن بازار دارای کارایی بیشتر است و هر چه از این رقابتی شدن فاصله بگیرد و به سمت انحصار پیش برود، کارایی اقتصاد کمتر می شود، شفافیت کاهش می یابد، عده ای در اقتصاد قیمت گذار می شوند و آنها هستند که تعیین کننده قیمت ها هستند. در اینجا سست است که در اقتصاد خرد، بحث حضور دولت در اقتصاد را مطرح می کنیم. این اولین نکته ولی بنیادی ترین تحلیل در پاسخ به این پرسش است که آیا ما از یک نظام ارزی برخوردار هستیم.

انحصار در طرف عرضه

به اعتقاد باقرپور اگر بخواهیم بازار ارز ایران را بررسی کنیم، می بینیم در بخش عرضه بیشترین ارزآوری در بخش صادرات نفتی و گازی و پتروشیمی وجود دارد. در بخش ارزآوری های غیرنفتی نیز بیشترین تأمین ارز بر عهده بخش میعانات گازی و پتروشیمی است. بنابراین در بخش عرضه مجاری متعدد ارزآوری وجود ندارد و محدود به بخش نفت و پتروشیمی یا نهایتاً فولادی ها و معدنی ها است. بر این اساس در سمت عرضه ارز یک نوع انحصار وجود دارد. مثال دیگری که نشان می دهد بازار رقابتی به مفهوم فن آن در اقتصاد ایران وجود ندارد این است که در بازار رقابتی قیمت ها تسویه می شوند. اگر ما اقتصاد ۵۰ سال گذشته را مرور کنیم می بینیم که همواره با کمبود ارز داشته ایم یا مازاد ارز. پس عدم تسویه قیمت ها را به دلیل شرایط مازاد یا کمبود نداشته ایم و هیچ گاه فرصتی نبوده که قیمت ها بتوانند خود را تسویه کنند.

او تصریح کرد: اما در طرف تقاضا می بینیم که مجاری

چرا صحبت از حذف ارز ترجیحی واردات تجهیزات پزشکی می شود و در عین حال نامه تخصیص ارز برای واردات خودروهای لوکس امضای شود؟

مومنی توضیح داد: هر بار به نرخ ارز و حامل های انرژی شوک وارد شد یک جهش به اندازه جمعیتی که فقط از ناحیه هزینه های درمان به زیر خط فقر رفتند، رخ داد. می توانم درک کنم که در غوغا سالاری که مافیا انجام می دهد مسئولان گنج شده اند و اولویت ها را گم کرده اند. صمیمانه و خیرخواهانه می گویم که شما می دانید که برخی مسئولان اقتصادی شما در دو هفته گذشته بیش از ۳۰ جلسه گذاشته اند که زمینه افزایش نرخ ارز و بنزین را فراهم کنند. ما از سوراخ شوک درمانی چند بار باید گزیده شویم که حکومتگران گرامی متوجه اثرات آن شوند. او خاطر نشان کرد: در گزارش سال ۱۳۷۳ سازمان برنامه توسعه آمده که تجربه بازی با نرخ ارز در این چند سال، نشان می دهد به ازای هر ریال جدیدی که حکومت از این ناحیه به دست آورد هزینه مصرفی دولت بیش از ۲/۵ برابر افزایش پیدا کرد. به اسم کسری بودجه دولت را در این ورطه می اندازند ولی نهایتاً کسری بودجه با ضریب ۲/۵ برابر افزایش پیدا می کند. همچنین در گزارش های رسمی سازمان ها تأکید شده از نقطه عطف ۱۳۹۷ ما با جهش بدی های دولت روبه رو هستیم. از نظر منطق علمی بازی با قیمت حلقه انتهایی یک فرایند چند حلقه ای است. اما اولین گام بازی با قیمت انتخاب می شود. نکته تکان دهنده این است که در ۳۵ سال گذشته تعداد صاحب منصبانی که درگیر فساد شده اند بیشتر شده و یک سر فسادهای انجام شده مقامات کلیدی سیاسی و اقتصادی بوده است. از نظر اقتصاد سیاسی در چنین شرایطی گفته می شود حکومتگران صالح قادر نیستند منافع حکومت را از منافع حکومتگران فاسد تفکیک کنند.

مومنی عنوان کرد: در دولت سیزدهم جهش در قیمت کالاها حیاتی که انسان ها برای بقا به آن نیاز دارند از جنگ جهانی دوم تاکنون بی سابقه بوده است. گزارش رسمی منتشر شده نشان می دهد که با جهش های اخیر در قیمت مسکن رخ داده، یک کارگر و یا کارمند با فرض اینکه دیگر افزایش قیمت نداشته باشیم ۱۷۷ سال طول خواهد کشید که خانه بخرد. این سرر سیاست ها که به مردم می رسد را با تعداد مقامات دستگیر شده و پرونده دار دولت مقایسه کنید.

خطای سیاسی و هزینه پردازی از جانب مردم

الناز باقرپور، کارشناس اقتصادی نیز در این جلسه متذکر شد: در بسیاری از تحلیل های کارشناسی اقتصادی که در کشور ما انجام می شود فرض بر داشتن سایر شرایط گذشته می شود. یعنی گویی در یک شرایط نرمال اقتصاد قرار داریم و با صرف نگاه کردن به یک متغیر صرف نظر از تأثیرگذاری و تأثیر پذیری آن متغیر بر اقتصاد تحلیل صورت می گیرد و بر اساس آن به سیاستگذار راهکار ارائه می شود. اگر این سیاست دچار خطای سیاسی باشد بازندگان آن مردم و قشر مولد اقتصاد هستند. در شرایط فعلی اقتصاد ایران تمایل زیادی به سرمایه گذاری در



فرشاد مومنی
اقتصاددان:

در دولت سیزدهم جهش در قیمت کالاها حیاتی که انسان ها برای بقا به آن نیاز دارند از جنگ جهانی دوم تاکنون بی سابقه بوده است. گزارش رسمی منتشر شده از جهش های اخیر در قیمت مسکن، نشان می دهد یک کارگر و یا کارمند با فرض اینکه دیگر افزایش قیمت نداشته باشیم ۱۷۷ سال طول خواهد کشید که خانه بخرد. این سر سیاست ها که به مردم می رسد را با تعداد مقامات دستگیر شده و پرونده دار دولت مقایسه کنید.

گروه اقتصاد: سیاست های تک تارخی کردن ارز که با جهش قیمت همراه است و سیاست اصلاح قیمتی حامل های انرژی که بارها از سوی مسئولان به آن پرداخته شده و با عبارت های «کدام عقل سلیم می پذیرد که بنزین را با این قیمت بفروشیم؟» از این سیاست ها یاد می شود، معطوف به سیاست های شوک درمانی است. هر چند تثبیت قیمت راهکار مناسب و مورد پذیرش تحلیلگران نیست اما شوک درمانی هم راهکار منتج به نتیجه مطلوب دانسته نمی شود. در ۴۶ سال گذشته قیمت بنزین ۱۵ بار افزایش پیدا کرده ولی تنها سه بار به صورت ناگهانی و به روش شوک درمانی بوده است. بار نخست در تیر ۱۳۸۶، بار دوم در دی ۱۳۸۹ و بار سوم در آبان ۱۳۹۸. در مورد ارز نیز شوک های مشابهی پدید آمد که نمونه بارز آن سال ۱۳۹۰، ۱۳۹۶ و چند سال گذشته بود. به دست آوردن درآمد بیشتر از محل اصلاحات قیمتی، دمدستی ترین و سطحی ترین نتیجه گیری از شوک درمانی است. بازخوانی تجربیات گذشته اما زوایای مهمی از نتایج معکوس به همراه دارد. در دوازدهمین نشست مؤسسه دین و اقتصاد با عنوان «دولت چهاردهم و بایسته های سیاستگذاری در مورد ارز» به این موضوع پرداخته شده که بعد از شوک درمانی اقتصاد چه اثراتی پذیرفته و چه دستاوردهایی ایجاد کرده است. در این نشست فرشاد مومنی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی و الناز باقرپور، کارشناس اقتصادی تبعات سیاست های ارزی را بررسی کردند.

باید نسبت به بازی سیاسی جدید با توسعه را مشخص کنیم

فرشاد مومنی، اقتصاددان تأکید کرد: آقای پزشکبان در زمان انتخابات وعده دادند که سرع شوک درمانی نخواهند رفت. سقف انتظار ما از دولت امروز این است که به تعهدی که دادند عمل کنند. اما در ماه های گذشته می بینیم که اعضای دولت خلاف این تعهدات صحبت می کنند. مافیاهای ایران این توان را پیدا کردند که مسئولان را گنج کنند. ما باید کمک کنیم از این تحیر نجات پیدا کنند. در اینجا تکرار می کنیم چند شاوول معرفی کنیم و از دولت بخواهیم در چارچوب آن حرکت کند. اول اینکه متر و معیار باید مصالح توسعه و منافع ملی باشد. بنابراین در وهله اول باید نسبت هر بازی سیاسی جدیدی که راه می افتد با توسعه را مشخص کنیم. اگر این را پذیرفتیم در مرحله بعد باید بنیه تولید ملی را مورد توجه قرار دهیم. اگر توسعه ای بخواهد اتفاق بیفتد الفبای آن رشد تولید است. آقای پزشکبان باید متوجه باشند که شعار عدالتخواهی یک شعار زینتی نیست. وقتی صحبت از شوک قیمتی می کنند، یا می گویند بابتخت را جابه جایی کنیم و یا واردات کالاها لوکس را آزاد می کنیم باید بدانند که در این ماجراها منافع مافیا در اولویت است.

مافیا برنده شد

به گفته او در سال ۱۴۰۱ کارشناسان هشدار دادند که این شوک نرخ ارز، تبعات توری و خیم می دارد ولی مافیا در این فقره برنده شد و از دو محل یعنی سیاست های تورمزا و سیاست های اشتغال زا به عموم مردم آسیب وارد شد. آقای پزشکبان به عنوان یک پزشک باید اهمیت واردات تجهیزات پزشکی را بهتر بدانند.

